



موسم حج و تلاقی افکار

عباسعلی براتی

وسيله‌ای برای حفظ کيان جامعه اسلامی می‌شمارد، و هيبت و احترام آن، در دل مؤمنان را، مایهٔ حلّ بسیاری از مشکلات آنان به حساب می‌آورد و می‌فرماید:

«جعل الله الكعبة البيت الحرام قياماً للناس»^۱

قرطبی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «به خاطر شکوه و عظمتی که خدا برای کعبه، در دل مسلمانان نهاده است، هرکس بدان پناه آورد، از هر آسیبی

عده‌ای پیوسته می‌کوشند این فکر را به مردم القا کنند که موسم حج، تنها زمان عبادت (آن هم به معنا خاص و محدود؛ یعنی مراسم و اعمال، بدون فهم معنا و آثار آن) می‌باشد و هیچگونه فعل و حرکت دیگری در موسم حج، هر چند به سود و صلاح مسلمانان، و در راستای مقاصد شریعت باشد، نباید در اراضی مقدّسه انجام گیرد. ولی آنگاه که به قرآن مراجعه کنیم، می‌بینیم که خداوند خانهٔ کعبه را

در قرآن به شدت از آن نهی شده است. از این رو اسلام، جدایی و قهر میان دو برادر مسلمان، بیش از سه روز را، جایز نمی‌داند. از پیامبر - ص - نقل شده است که فرمود: «لَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَهْجُرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ، فَمَنْ هَجَرَ أَخَاهُ فَوْقَ ثَلَاثٍ فَمَاتَ، دَخَلَ النَّارَ».

«مسلمان حق ندارد که با برادرش بیش از سه روز قهر کند، و اگر کسی با برادرش بیش از سه روز قهر کند و بمیرد به دوزخ می‌رود».^۴

و در همین رابطه، ثواب اصلاح میان مسلمانان و آشتی دادن آنان را، از نماز، روزه و صدقه بیشتر می‌داند، و فساد میان امت را مایه نابودی دین می‌شمارد.^۵

برخورد نادرست و انحرافی، با اختلافات در طول تاریخ اسلام، گاه اتفاق افتاده است که بر اثر دور شدن از روحیه تسامح و پرورش فکر، برخی از مسلمانان و رهبران آنان، با این تفاوت‌های فکری، به گونه نادرستی برخورد کرده‌اند و به مسیری کشانده

محفوظ است، و هر کس ستمی دیده باشد، با پناه آوردن به آن، تحت حمایت قرار خواهد گرفت».^۲

بنابراین، اختلافات فکری و اعتقادی و سیاسی مسلمانان، در غیر موسم حج را که بسا ممکن است منشأ جنگ‌ها و نزاعهای خونین باشد، می‌توان به برکت موسم، و حرمت بیت و حرم، باگفتگو و مذاکره و تفاهم حل کرد، و با کمک از معنویت این فریضه بزرگ الهی، بلاهای بسیاری را از مسلمانان دور کرد.

سوء استفاده دشمنان دین، از اختلاف مسلمین

خداوند متعال می‌فرماید: «لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».^۳

«با یکدیگر به ستیزه‌جویی پردازید که مایه شکست و ضعف شما می‌گردد و آبرویتان می‌رود. پایدار و شکیبا باشید که خدا با شکیبایان است».

تفرقه و اختلافی که مایه تقسیم نیروهای مسلمان و درگیر شدن آنها با یکدیگر باشد، در اسلام حرام است، و

هم شکسته و در نهایت به حاکمیت دشمنان انجامیده است.^۱

سنت پیامبر، در زمینه بهره‌برداری از

فصل حج برای تعلیم دین

پیامبر اکرم - ص - در حجة الوداع، در جای جای مشاعر و مواقف، از اجتماع مردم بهره‌برداری نموده، مناسک حج، مسائل فقهی، اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی دین را به آنان تعلیم فرموده است.

خطبه‌های آن حضرت در این سفر، در مواضع زیر نقل و ثبت شده است:

۱- مسجد خیف در منی.^۲

۲- در صحرای عرفات.^۳

۳- خطبه حضرت در پایان حجة الوداع در

غدیر خم.^۴

در زمان پیامبر - ص - هیچگاه این سخن مطرح نمی‌شد، که موسم حج و مشاعر و مواقف آن، تنها جای انجام مناسک است، بحث و سخن دیگری نباید در آن زمان و مکان انجام گیرد. بویژه اموری که با دین و دنیای عموم مسلمانان سر و کار داشت، در آنجا

شده‌اند که خدا و پیامبر، به یقین از آنها خشنود نبوده است. روشهای نادرست که گاه برای حلّ این اختلافات به کار می‌رفته به این شرح است:

۱- تکفیر، تفسیق و اعلام برائت و بیزاری از مسلمانانی که دارای گرایش فکری متفاوتی هستند، و حتی در مواردی مسلمانان را بدتر از کفار و مشرکین قلمداد کردن!

۲- حکم به وجوب قتل آنان.

۳- اعلام جنگ و جهاد بر ضدّ آنان.

۴- سعی در شکنجه و آزار آنان، برای تغییر دادن عقیده‌شان.

۵- خودداری از همکاری با مسلمانان، برای دفاع از اصل اسلام.

۶- دعوت از کفار و مشرکین رسمی، برای نابود کردن مسلمانها.

۷- خودداری از نصیحت و ارشاد و مذاکره با مسلمانان، بلکه تحریم مذاکره و بحث با آنها.

۸- اولویت دادن به مبارزه با آنها و غافل شدن از جهاد برای حفظ اصول اسلام.

بدیهی است که این روشها، در مقاطعی از تاریخ، باعث بروز اغتشاشات بزرگ، در پایتختهای اسلامی شده، و قدرت توده‌های میلیونی مسلمان را در

و گفتگوی دینی با مشرکان می پرداخت.^{۱۰}

۲ - نمایندگان خوارج و معاویه در همین موسم به تبادل نظر پرداختند.^{۱۱}

۳ - امام حسین بن علی - ع - در همین مسجد به بیان علل دینی و اجتماعی قیام خود بر ضدّ یزید پرداخت و با کسانی چون عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر و عبدالله بن زبیر در این زمینه بحث و گفتگو نمود.^{۱۲}

۴ - عبدالله بن زبیر در مسجد الحرام با سران خوارج مانند نافع بن ازرق به بحث دینی پرداختند.^{۱۳}

۵ - فرزددق، قصیده شیوای خود را در مدح امام زین العابدین در حجّ، و در همین مسجد سرود.^{۱۴}

۶ - امام باقر - ع - در همین مسجد و در موسم حجّ با نافع مولی عمر، مناظره کرده‌اند.^{۱۵}

در زمینه مسائل دینی، فقهای صحابه و تابعین، در فصل حجّ، به افتاء، تدریس و مناظره می پرداختند؛ گویا به نظر آنان، حجّ، با تعلیم و تعلّم و تبادل نظر سالم و سازنده در امر دین، هیچگونه منافات و

مطرح می شد؛ اعراب مسلمانی که شنیده بودند، پیامبر می خواهد به حجّه الوداع (آخرین حجّ زندگی خود) برود؛ مشتاق بودند، تا آنجا که ممکن است، از راهنماییهای حضرتش استفاده کنند. شمار آنان از ۱۴۰ هزار تن فراتر می رود، پیامبر برای آنان خطبه‌هایی خواند و همه امور دین و دنیا را در این خطبه‌ها مطرح فرمود.

سیره سلف: تبادل نظر در موسم حجّ

از نخستین روزهای طلوع خورشید اسلام، صحابه و تابعین، و قبل از همه، رسول خدا - ص - از این زمان و مکان برای انتقال افکار و نظریات و علوم و معارف، بهره برداری کرده‌اند که ما در اینجا بطور گذرا به نمونه‌هایی اشاره می‌کنیم: تا روشن شود که بحث و گفتگوی دینی و دنیوی در موسم حجّ، سیره صحابه و تابعین بوده است.

الف - مباحثات عقیدتی و فقهی

۱ - رسول اکرم - ص - در موسم حجّ و در حرم مکه و مسجد الحرام به بحث

ناسازگاری نداشته است.

۷- امام شافعی در مسجدالحرام، در مسائل فقهی مناظره می‌کرد.^{۱۶}

ب- تدریس معارف دینی در موسم حج یکی از فعالیت‌های علما و دانشمندان، در مسجدالحرام، و در موسم حج، تدریس بوده است، و بسیاری از ائمه مذاهب، در همین زمان و مکان با شخصیت‌های بزرگی آشنا شده‌اند و تحت تأثیر آنها قرار گرفته‌اند. به چند نمونه در این زمینه توجه کنید:

۱- ابن عباس، که به بحرالعلم یا «حبر امت» مشهور بود، هر ساله، در موسم حج، به مکه می‌آمد و به تدریس و افتا می‌پرداخت.^{۱۷}

۲- سفیان ثوری از تابعین معروف، در مسجدالحرام، حلقات تدریس و گفتگوی دینی به پا می‌کرد.^{۱۸}

۳- عطاء بن ابی رباح در مسجدالحرام می‌نشست و به بحث می‌پرداخت.^{۱۹}

۴- ابوحنیفه در دوران جوانی در کنار خانه خدا از عطاء بن ابی رباح درس

می‌آموخت.^{۲۰}

۵- ابوحنیفه وقتی خود، امام شد؛ هر ساله به حج می‌آمد و در همین مکان، به تدریس می‌پرداخت.^{۲۱}

۶- شافعی نیز مدتها در مسجدالحرام تدریس می‌کرد.^{۲۲}

۷- احمد بن حنبل نیز در حج از امام شافعی درس می‌آموخت.^{۲۳}

۸- صحابه والامقامی چون جابر بن عبدالله انصاری، و تابعینی چون محمد بن منکدر و سفیان و طاووس یمانی، حتی در حال طواف حدیث نقل می‌کرده‌اند.^{۲۴}

۹- محمد بن عبدالاعلی با سند متصل از عبید بن عمیر نقل می‌کند که برای حیان بن عمیر در برابر «رکن» حدیث نقل می‌کرد و در ضمن آن می‌گفت: درهای آسمان برای ستایش خدا باز می‌شود و تکبیر، میان زمین و آسمان را پر می‌کند.^{۲۵}

۱۰- جمعی از محدثین بزرگ، در مسجدالحرام و در حال طواف، حدیث نقل کرده‌اند.^{۲۶}

ج - بحث‌های سیاسی و مسائل اداری و کشوری

۱ - رسول اکرم - ص - به امر خداوند، فرمان براثت از مشرکین را که به صورت آیه‌ای از قرآن نازل شده بود، به علی - ع - داد تا در موسم حج در مسجدالحرام بر مردم بخواند.^{۲۷}

۲ - پیامبر، اعلام عفو عمومی برای مشرکان را از مسجدالحرام صادر فرمود.^{۲۸}

۳ - عمر بن خطاب، در موسم حج، فرمانداران خود را که هر یک کشور بزرگی را زیر فرمان داشتند، جمع می‌کرد و از مردم می‌خواست اگر شکایتی از کشورداری آنها دارند، اعلام کنند و سپس همانجا آنها را تنبیه می‌کرد.^{۲۹}

۴ - معاویه، مسأله جانشینی فرزندش یزید را در سفر حج مطرح کرد.^{۳۰}

۵ - عثمان در فصل حج کسانی را که با فرمان او مخالفت کرده بودند مجازات کرد و به زندان افکند.^{۳۱}

۶ - در قیام بنی عباس برای برپایی خلافت خود، نماینده آنان یعنی داود

ابن علی در سال ۱۳۲ هـ - در ایام حج برای مردم سخنرانی کرد و اهداف و برنامه‌های قیام را برشمرد و برای آنان مسائل سیاسی روز را تشریح کرد.^{۳۲}

۷ - ابوجعفر منصور به حج آمد، تا در ضمن این سفر، محمد بن عبدالله بن حسن را بر سر جایش بنشانند.^{۳۳}

۸ - مهدی موعود - ع - از همین مسجد، ندای خود را به گوش جهانیان می‌رساند.^{۳۴}

۹ - مردم با مهدی - ع - در میان رکن و مقام بیعت می‌کنند.^{۳۵}

د - دیدار برادران مسلمان با یکدیگر در موسم حج

یکی از فواید حج، زیارت برادران دینی، و مسلمانان میهمان خدا، از کشورهای مختلف است: در این باره صحابه و تابعین نه تنها معنی نکرده‌اند، بلکه تشویق نیز دارند.

از سفیان نقل شده که گفت: یکی از چیزهایی که رغبت مرا به حج زیاد می‌کند، دیدار برادرانی است که آنها را در غیر حج نمی‌توانم ببینم.^{۳۶}

گفتگو و تبادل نظر در فصل حج نه تنها جلوگیری نکرده، بلکه آن را تشویق نیز فرموده است، باید در پی راههای عملی تحقیق این مهم بود، که این مقاله، راههای زیر را به عنوان آغاز حرکت به سوی تبادل نظر و تحقق بخشیدن به اصل «شوری» در اسلام پیشنهاد می‌کند:

الف - برپایی کنفرانسهای سالانه در موسم

حج

در ایام حج، به خصوص در روزهایی که حجاج باید در یک منطقه جمع شوند، بهترین فرصت برای آشنایی، تبادل نظر، و مشورت و تصمیم‌گیری و رسیدن به توافق است، مکه، عرفات و منی که چند میلیون حاجی مسلمان را از ملیتهای کاملاً متنوع، و از سرزمینهای دور، در خود جمع می‌کند، خود، بهترین گردهمایی اسلامی است، به شرط آنکه به صورت مطلوب از آن بهره‌برداری شود.

راه کار پیشنهادی ما در این مقاله این است، که اندیشمندان و دانشمندان اسلامی در مکه و منی، در کنفرانس

با یک بررسی اجمالی، از آنچه نقل شد، دانسته می‌شود که تماس با برادران دینی، انتقال علوم و اطلاعات مفید، بحث و گفتگوی دینی و سیاسی، در صورتی که با هدفی سازنده و به دور از نزاع و مشاجره ناپسند، انجام گیرد، نه تنها، با اهداف عالیّه حج ناسازگار نیست، بلکه در راستای اهداف آن است. در این رابطه، کتاب و سنت، نه تنها، تبادل افکار را در فصل حج نهی نفرموده، بلکه آن را بهترین فواید حج می‌شناسد. صحابه و تابعین و ائمه طاهرین از اهل بیت، چنانکه دیدیم، از فضای معنوی حج و بلد حرام برای نشر معارف دینی و حلّ مشکلات فکری جامعه، به بهترین وجه، استفاده می‌کردند، بنابر این نمی‌توان گفت که هرگونه گفتگوی دینی در فصل حج، «جدال در حج» است و نکوهیده و ممنوع به شمار می‌رود.

طرح عملی برای تلاقی افکار مسلمین

پس از آنکه دانسته شد اسلام راه اجتهاد و استنباط را باز گذاشته و از

سالانه اسلامی گردهم آیند و با تشکیل جلسات عمومی و خصوصی و کمیسیونها و شوراهاى تخصصی، به بحث و بررسی در باره مشکلات اسلام و مسلمین، بلکه مشکلات جهانیان بپردازند، و راه‌حلهای عملی برای اصلاح امور پیشنهاد کنند، از جمله اگر اختلافاتی در میان خود مسلمین وجود دارد، یا برخی از ملت‌های مسلمان نیازمند کمک و امداد هستند، در آن گردهماییها، مسأله مطرح و در باره آن تصمیم‌گیری شود، و دست‌کم آن را به کشورهای خود منتقل سازند و در آنجا چاره‌جویی کنند.

دولت عربستان می‌تواند، با برپایی اینگونه گردهماییها، خدمت شایانی را به جهان اسلام بلکه به کل بشریت، تقدیم کند، و نام نیکی برای خود برجای نهد، این کنفرانس اسلامی (به معنای واقعی) را می‌توان به کمیسیونهایی به شرح زیر تقسیم نمود:

۱ - سیاسی

۲ - اقتصادی

۳ - امنیتی

۴ - اجتماعی

۵ - تربیتی و آموزشی

۶ - خبری و تبلیغاتی

۷ - حقوقی

در هر کمیسیون، کارشناسان، و مقامات مسؤول و ذی‌ربط آن، شرکت کنند، و نتیجه کار آنها به صورت گزارشهای ویژه چاپ و نشر و در معرض استفاده عموم قرار گیرد.

ب - توسعه و بهبود کنفرانسهای موجود

اگرچه دولت عربستان، در حال حاضر نظیر این کنفرانسها را در مکه و منی برگزار می‌کند، و کسانی هم در آن شرکت می‌کنند و نتیجه هم به صورت کتابی منتشر می‌گردد، ولی نکته‌ای که در اینجا قابل ذکر است، اینکه کنفرانسهای موجود، هرچند در راستای هدف فوق، برپا شده است، ولی باز هم می‌توان آنها را با کیفیت بهتری برگزار کرد. مثلاً نکات زیر اگر مورد نظر قرار گیرد، بر کارآیی و تأثیر آنها، صد چندان می‌افزاید:

۱ - در انتخاب میهمانان، فقط به

کشورهای اسلامی و غیراسلامی که اقلیت مسلمانی در آن زندگی می‌کنند، به اطلاع مسلمین برسد، و پیشاپیش از آنها دعوت شود.

۴ - موضوعات مطروحه در کنفرانس قبلاً به اطلاع آنها برسد، و از آنها خواسته شود که همراه با اطلاعات مفید و نظریات سازنده در جلسه حاضر شوند.

مسئولان اداری کشورها توجه نشود، بلکه دانشمندان و صاحب نظران غیر دولتی نیز دعوت شوند.

۲ - مذاهب و فرق اسلامی که به حج می‌آیند، همه، بدون تبعیض یا تعصب مذهبی در آن راه داشته باشند، به دیگر سخن، کسانی بیایند که نماینده طرز تفکر جناحهای مختلف مسلمین و جریانات فکری اسلامی باشند.

۳ - وجود این کنفرانسها قبلاً در

پاورقی‌ها:

- ۱ - مائده: ۹۷.
- ۲ - الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۳۲۵، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۵ م.
- ۳ - انفال: ۴۶.
- ۴ - ابوداود، سنن، کتاب الأدب، حدیث ۴۷ - بخاری، صحیح، کتاب الأدب، حدیث ۵۷ و ۶۳ - مسلم، صحیح، کتاب البر، حدیث ۲۳، ۲۵، ۲۶.
- ۵ - احمد، مستدرک، ج ۶، ص ۴۴۵ - ابوداود، سنن، کتاب الأدب، حدیث ۵ - ترمذی، سنن، کتاب قیامت، حدیث ۵۶.
- ۶ - ابوالفداء، المختصر فی تاریخ البشر، ۸۲/۲ - دکتر یوسف القرضاوی، الصحوة الإسلامية
- بین الجمود والتطرف، ص ۵۹ - دکتر سعید رمضان البوطی، السلفية، ص ۲۴۴، مجلة رسالة الاسلام، سال دوّم، شماره ۴، ص ۳۵۷.
- ۷ - علی متقی هندی، کنز العمال ص ۳، ۲۳ و ۶۲، ۲۰۲/۸ و ۲۲۸ - ابن کثیر، البداية والنهاية، ج ۵، ص ۱۴۸ و ۱۹۷ و ۱۹۴ و ۱۹۸.
- ۸ - ابن ماجه، سنن، حدیث ۵۶۵ - ابن حجر هیثمی، مجمع الزوائد ج ۷، ص ۳۳۸، مصر، ۱۳۵۲ هـ.
- ۹ - حاکم نیشابوری، مستدرک الصحیحین، ج ۱، ص ۹۳ - ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۸۵.

- ۱ - مائده: ۹۷.
- ۲ - الجامع لاحکام القرآن، ج ۳، ص ۳۲۵، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۵ م.
- ۳ - انفال: ۴۶.
- ۴ - ابوداود، سنن، کتاب الأدب، حدیث ۴۷ - بخاری، صحیح، کتاب الأدب، حدیث ۵۷ و ۶۳ - مسلم، صحیح، کتاب البر، حدیث ۲۳، ۲۵، ۲۶.
- ۵ - احمد، مستدرک، ج ۶، ص ۴۴۵ - ابوداود، سنن، کتاب الأدب، حدیث ۵ - ترمذی، سنن، کتاب قیامت، حدیث ۵۶.
- ۶ - ابوالفداء، المختصر فی تاریخ البشر، ۸۲/۲ - دکتر یوسف القرضاوی، الصحوة الإسلامية

- ١٠ - دياربكرى، تاريخ الخميس، ج ١، ص ٢٩٢
- ابن هشام، السيرة النبوية، ج ١، ص ٣٨٠ -
٣٩٠ (باب مآلقي رسول الله من الأذى). دار
احياء التراث العربى، بيروت، بدون تاريخ.
- ١١ - همان، ج ٢، ص ١٨٠ - ابن عساكر، تاريخ
مدينه دمشق، ج ٣، ص ٢٩٨ (ترجمة الامام
على - ع -)
- ١٢ - ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، ج ٤،
ص ٣٢٨، تحقيق محمد باقر محمودى -
طبرى، تاريخ، ج ٥، ص ١٩٣، مؤسسه
عزالدين، بيروت، ١٤٠٧ هـ / ١٩٨٧ م.
- ١٣ - المبرّد، الكامل، ج ٢، ص ٢٠٣ - ٢٠٦ -
طبرى، تاريخ، ج ٥، ص ٥٦٣، ٥٦٦.
- ١٤ - الشبراوى، الإنحاف بحب الأشراف،
ص ٥١ - قرمانى، اخبار الدول، ص ١١٠،
ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، ٣٦ و ١٦١؛
بستاني، دائرةالمعارف، ج ٩، ٣٥٦ -
زهراآداب، ج ١، ص ١٦٣، ابن نباته، شرح
العيون، ص ٣٩٠ - انوارالربيع، ج ٤، ص ٢٥
- ابن صباغ المالكي، الفصول المهمه،
ص ١٩٣ - نهاية الأدب، ج ٢١، ص ٣٢٧ -
٣٣١.
- ١٥ - ابن عساكر، تاريخ مدينه دمشق، ترجمة
الامام الباقى، ص ١٦٧ - ١٦٨ تحقيق محمد
باقر محمودى.
- ١٦ - دكتور مصطفى شكعة، الأئمة الاربعه، ط ٧،
ج ٣، ص ١٨٦، الشركة العالميه للكتاب،
بيروت، ١٤٠٣ هـ / ١٩٨٣ م.
- ١٧ - همان، ج ١، ص ٤٦ - المبرّد، الكامل فى
الأدب، ج ٢، ص ١٣٧، ١٦٣، ١٦٤.
- ١٨ - همان، ص ٤٦ - ١٥٠ - ابن عنبه، عمده
الطالب فى انساب آل ابى طالب، ص ٢٨٧، ط
٢، النجف، ١٣٨٠ هـ / ١٩٦١ م.
- ١٩ - أزرقى، ابوالوليد محمد بن عبدالله بن
احمد (م ٢٤٤ هـ)، اخبار مکه، ج ١،
ص ٣١٤ - ٣١٥، دارالثقافه، مکه، بدون
تاريخ.
- ٢٠ - دكتور مصطفى شكعة، الأئمة الأربعة، ج ١،
ص ٤١، ٤٦، ٤٧ - ابونعيم، حليه الاولياء،
ج ٣، ص ٣١٠ - ابن خلکان، وفیات الاعيان،
ترجمة عطاء بن أبى رباح.
- ٢١ - همان، ج ١، ص ١٥٨.
- ٢٢ - همان، ج ٣، ص ١٨٠.
- ٢٣ - همان، ج ٤ ص ٣٩ - ٤١ - ذهبى ترجمة
الامام احمد در مقدمه مسند، ص ٦٠.
- ٢٤ - فاكهى، محمد بن اسحاق، اخبار مکه، ج ٢،
ص ٣٥٠ - ٣٨٠، ط ١، مکه المكرمه،
١٤٠٧ هـ / ١٩٨٧ م (ر.ك: أزرقى، اخبار
مکه، ج ١، ص ٣١٦ - بلادى، فضائل مکه،
ج ١، ص ٢٢٥، ونيز فاكهى، اخبار مکه،
ج ١، ص ٩٣).
- ٢٥ - همان، ج ٢، ص ١٧٧.
- ٢٦ - همان، ج ١، ص ٣٢٥ - ٣٣١ - ذهبى، تاريخ
الاسلام، ج ٦، ص ٢٤١ - همو، سير اعلام
النبله، ج ٧، ص ١٨٦ - احمد مسند، ج ٢،
ص ١٦١ - ١٦٢ - سيوطى، الجامع الكبير،
ج ١، ص ٧١٥ - ابن حجر، تعجيل المنفعة،
ص ٤٩٨؛ عبدالرزاق، المصنف، ج ١١،
ص ٢٤ - ابوداود، سنن، كتاب أدب، ج ٤،
ص ٣٥٦ - بخارى، صحيح، كتاب مغازى،

- ج ٧، ص ٣١٧ - مسلم، صحيح، كتاب صلاة،
 ج ٦، ص ٩٢ - فاكهي، محمد بن اسحاق،
 اخبار مكة، ج ١، ص ٢٠٥ - ٢١٥، ط ١،
 مكة المكرمة، ١٤٠٧ هـ / ١٩٨٧ م.
- ٢٧ - نسائي، سنن، كتاب حج، ص ١٦١ - دارمي،
 سنن، كتاب سير، ص ٦٢؛ احمد، مسند، ج ١،
 ص ٣ و ج ٢، ص ٢٩٩ - مسبوطي،
 الدار المنشور، تفسير سورة براءت، بخاري،
 صحيح، ج ٢، ص ١٥٣.
- ٢٨ - ابن القيم الجوزية، زاد المعاد فى هدى
 خير العباد، ج ٢، ص ١٦٥، دار الفكر،
 بيروت، تصحيح الشيخ حسن محمد
 المسعودى.
- ٢٩ - ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ٣، ص ٢١١ -
 كانهلوى، حياة الصحابة، ج ٢، ص ٣٣٤،
 منتخب كنز العمال، ج ٤، ص ٤١٩.
- ٣٠ - ذهبى شمس الدين، دول الاسلام، ص ٢٨،
 مؤسسة الاعلمى، بيروت، ١٤٠٥ هـ / ١٩٨٥ م.
- ٣١ - يعقوبى، تاريخ يعقوبى، ج ٢، ص ١٦٤ -
 ١٦٥، دار صادر، بيروت.
- ٣٢ - همان، ج ٢، ص ٣٥٣.
- ٣٣ - همان، ج ٢، ص ٣٧٤.
- ٣٤ - ابن ماجه، السنن، كتاب الفتن، باب خروج
 المهدي، ج ٢، ص ١٣٦٦ - ١٣٦٨، حديث
 شماره ٤٠٨٢ تا ٤٠٨٨ - دكتور محمد أحمد
 جلي، دراسة عن الفرق فى تاريخ
 المسلمين، ص ١٥٦ - ١٦٢، ط ١، الرياض،
 ١٤٠٦ هـ / ١٩٨٦ م.
- ٣٥ - الفاكهي (ت ٢٧٢)، اخبار مكة، ج ١،
 ص ٤٠٧، تحقيق عبدالملك بن دهيش،
- مكتبة النهضة، مكة المكرمة، احمد، مسند،
 ج ١، ص ٩٩ - عاتق بن غيث البلادى،
 فضائل مكة، ج ١، ص ٢٢٣ - ٢٢٥، دار مكة
 - مكة المكرمة، ١٤١٠ هـ / ١٩٨٩ م.
- ٣٦ - فاكهي، اخبار مكة، ٣٨٢/٢.

